

جایگاه تقیه در روابط خارجی دولت اسلامی با تأکید بر آراء حضرت آیت الله خامنه‌ای

یعقوب علیزاده / استادیار عضو هیات علمی گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور ایران (نویسنده مسئول)
y_alizadeh@pnu.ac.ir

فاطمه السادات قریشی محمدی / استادیار عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
fateme.ghoreishi@pnu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر این است تا نقش و جایگاه تقیه را در روابط خارجی دولت اسلامی با سایر دولت‌ها با بررسی آراء و دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای به بحث بگذارد. در همین راستا، پرسش این است که بر مبنای دیدگاه‌های فقهی-سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تقیه چه نقشی در تنظیم روابط خارجی دولت اسلامی با سایر کشورها بر عهده دارد؟ فرضیه این است: تقیه به دلیل پنهان کردن ابزارهای دولت اسلامی، مصون ماندن از تحرکات دشمنان و همچنین تجهیز نظام اسلامی به سازوکارهای مبتنی بر تدبیر و دوراندیشی نقش مهمی در عبور از برخی شرایط دشوار تاریخی ایفا خواهد کرد. ضمن اینکه نتایج تحقیق مؤید آن است که تقیه اگرچه از منظر احکام فقهی، نوعی انفعال در شرایط خاص است، اما این انفعال در عرصه سیاست و از جمله روابط خارجی می‌تواند نوعی استراتژی مبتنی بر صبر، تجهیز منابع و ابزارها و در پیش گرفتن یک برنامه عملیاتی در آینده نیز تلقی شود. بنابراین آثار آن در ایجاد بازدارندگی برای دولت اسلامی، دور ماندن از شرایط هزینه‌آور و همچنین ایجاد آرامش و فرصتی برای دوراندیشی در دولت اسلامی است. در پژوهش حاضر از روش توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه: تقیه، دولت اسلامی، آیت الله خامنه‌ای، روابط خارجی.

تاریخ تأیید ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

مقدمه

اخبار و روایات اسلام و از جمله مذهب شیعه سرشار از احکام و معارف است که به دلیل پیوند آنان با عرصه سیاست و اجتماع نقش مهمی در تعیین سازوکارهای لازم برای اداره جامعه، دولت و تعامل آن با سایر دول ایفا می‌کند. در همین راستا، در اخبار شیعی، روایات متعددی از تقیه مطرح شده است که برخی آن را منفور و عاملی برای عقب نشینی از احکام و معارف دینی دانسته و نسبت به استفاده از آن هشدار دادند. اما برخی دیگر، تقیه را با استناد به آیه شریفه قرآن (سوره آل عمران) آن را سپری برای مؤمنان و محافظت از آنان دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۱۹: ۳۰۷). با این وجود بهره‌مندی از تقیه نظیر همه احکام و معارف اسلامی نیازمند دقت در آن و همچنین بررسی شرایط و بسترهای مناسبی است که هم بتوان از مزایای آن بهره برد و هم احکام و شعائر دینی را به نحوی که در آیات و روایات و سیره ائمه مطرح شده است، پیاده نمود. از این رو تقیه نیز دارای آداب و شرایطی است که اجمالاً باید گفت از احکام ثانویه اسلام و روشی برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان است. تقیه اگر در شرایط خاصی که جامعه اسلامی، دولت اسلامی و مردم در شرایط نابرابری از قدرت و توان برخوردار هستند، می‌تواند راهکاری برای دور ماندن از تحولات بیرونی باشد و از این رو مصونیتی برای عبور از یک دوره دشوار را پدید آورد. از این منظر و در عرصه روابط بین‌الملل می‌توان از تقیه به عنوان تاکتیک و راهکاری برای کاستن از هزینه‌ها و آماده شدن برای ادوار بعدی نیز فراهم آورد.

با این حال باید گفت که تاکتیک‌ها، راهبردها و سازوکارهای هر نظام سیاسی تابعی از وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تقیه نیز به عنوان یکی از احکام مهم شیعی، می‌تواند به عنوان تاکتیکی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش توان دولت اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل و دیپلماسی واقع شود. به لحاظ تاریخی، تقیه ابزاری برای شیعیان در شرایط ناشی از تسلط اکثریت بوده که اجازه فعالیت مؤثر را به آنان نمی‌داد. از این رو شیعیان در دوره‌های مختلف تلاش کردند تا با تطبیق دادن خود با شرایط سیاسی و اجتماعی از فعالیت در عرصه سیاسی کنار کشیده و هزینه‌های ناشی از تسلط اکثریت را به شیوه عدم تعامل با اصحاب قدرت به پیش ببرند. از این منظر باید گفت که کاربرد تقیه در عرصه سیاست بیش از هر چیز ناشی از اخفای زمان‌مند برخی از اعتقادات دینی است که به دلایل مختلفی از جمله حراست از جان، مال، دارایی و آبروی مؤمن صورت می‌گیرد. تسری این رویه در عرصه سیاست خارجی نیز به معنای آن است که دولت دینی در شرایط خاصی و جهت مصون ماندن مؤمنان و کاهش هزینه‌های ناشی از رویارویی با دشمنان نوعی سیاست احتیاط آمیز پیشه خود ساخته و از

مبارزه مستقیم و آشکار خودداری کند. از این منظر، تقیه می تواند محل بحث باشد. به این دلیل که برخی آن را نوعی سیاست مماشات و یا تظاهر تلقی کرده و برخی نیز آن را رویکردی دینی مبتنی بر کاهش هزینه ها، خرید زمان و آماده شدن برای نبردهای بعدی است. رویکرد پژوهش حاضر به قسم اخیر متعلق است و بر همین اساس تلاش دارد تا جایگاه تقیه را در روابط خارجی بر مبنای آراء آیت الله خامنه‌ای به بحث بگذارد.

ضرورت‌های مهمی برای نگارش مقاله حاضر وجود دارد که از جمله آنان سیال بودن عرصه روابط خارجی و متغیر بودن این عرصه از یک طرف و همچنین تغییرپذیری منافع و اولویت‌های نظام اسلامی نیز در شرایط کنونی حائز اهمیت است. از این رو، برای دستیابی به این منافع اتخاذ راهکارهایی که بتواند در شرایط مختلف، راهکاری متناسب با شرایط ارائه دهد، امری ضروری است. همچنان که با توجه به ماهیت دینی دولت در ایران، لزوم نظریه-پردازی بر مبنای احکام و دستورات دینی و پیاده کردن آنان در صحنه روابط بین‌الملل می‌تواند گواهی برای زنده بودن احکام و معارف دینی و تحلیل منافع و خواسته‌های دولت اسلامی در پرتو این احکام تلقی شود. بنابراین مزیت این رویکرد آن است که اداره دولت اسلامی را در عرصه روابط خارجی با ابتناء بر معارف دینی سامان می‌دهد و دوم اینکه پیگیری منافع جامعه اسلامی را در شرایط متغیر کنونی فراهم می‌سازد. با توجه به اینکه حضرت آیت الله خامنه‌ای در پاره‌ای از مواقع در مواضع خود بر لزوم تقیه سخن گفتند، بررسی نقش تقیه در عرصه روابط خارجی می‌تواند راهکاری عملی برای تعامل دولت اسلامی در عرصه روابط خارجی فراهم آورد.

۱-۱- پیشینه تحقیق

تحقیقاتی در ارتباط با تقیه و یا آثار سیاسی و اجتماعی آن نگارش شده است که در اینجا به چند مورد اشاره خواهد شد:

پورقربان (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل از منظر مقام معظم رهبری» به کاربرت برخی مفاهیم از جمله مصلحت و تقیه در نظام اسلامی توجه نشان داد. نویسنده در بخشی از این مقاله به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در ارتباط با تقیه و نقش آن در اداره جامعه اسلامی از جمله حوزه سیاست خارجی پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که تقیه در همان دورانی که (صدر اسلام و دوره امامت امام سجاد (ع) هم از سر ترس نبود. بنابراین تقیه ابزاری برای پیشبرد احکام و منافع جامعه اسلامی است و از این رو نمی‌توان بدون آنکه به ابزار تقیه مجهز باشیم، در نبرد با دشمن پیروز شویم.

حسینی (۱۳۹۶) در مقاله «نقد مبانی کلامی رویکرد اصالت تقیه در فقه سیاسی و مقایسه آن با دیدگاه اصالت قیام»، از تقابل میان دو اصل تقیه و قیام برای تشکیل حکومت اسلامی یاد کرده است. نویسنده نتیجه گرفته است که اصالت بخشیدن به تقیه برخلاف ظاهر مقدس مأبانه-ای که دارد، عوامانه بوده و ادله نقلی و عقلی مستحکمی در این باره وجود ندارد. بنابراین وظیفه ساسی امت در این شرایط، قیام علیه طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی، هرچند با معیارهای حداقلی باشد. بنابراین مبنا قرار دادن تقیه در تشکیل و تداوم نظام اسلامی به معنای هدف قرار دادن نظام جمهوری اسلامی و خالی کردن مردم از پشتوانه آن است.

کتاب تربیتی‌نژاد (۱۳۹۵) با عنوان «تقیه در اندیشه سیاسی شیعه» به بررسی تقیه در فقه شیعه، تاریخچه، مشروعیت و یا عدم مشروعیت آن در میان فقهای شیعه و سنی پرداخته است. همچنین این موضوع به بحث گذاشته شده است که آیا تقیه باعث بسط و گسترش اندیشه سیاسی شیعه شده و یا اینکه موجب انزوا و انفعال آنان شده است. نویسنده نتیجه گرفته است که اندیشه تقیه با توجه به اینکه شیعیان در اقلیت بوده‌اند باعث شده تا هویت سیاسی شیعه در یک دوره زمانی حفظ و به دوره بعدی منتقل شود.

صرامی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «نقش تقیه در پیشبرد اهداف اطلاعاتی نظام اسلامی» چنین نتیجه گرفته است که نقطه اصلی و بنیادین در اهداف اطلاعاتی، پنهان کاری و رازداری اطلاعاتی است. برای پختگی و تعمیق این ویژگی کاربردی مفاهیم و اصول فقهی از جمله تقیه می‌تواند امری مهم باشد. نتیجه گیری نویسنده آن است که اگر نظام اسلامی را ملزم به رسیدن جهت دستیابی به تمام اهداف حکومت در اسلام بدانیم، تقیه خوفی جهت رسیدن به این اهداف توسعه انگاری اطلاعاتی قابلیت تطبیق دارد.

مقاله دیرباز و صادقی (۱۳۹۰) با عنوان «سیاست خارجی دولت دینی با تأکید بر مفاهیم تقیه و انتظار» نیز به راهبرد دولت منتظر در عرصه سیاست خارجی و در شرایطی که دشمنان در صدد براندازی نظام اسلامی هستند، اشاره کرده‌اند. در این شرایط راهبرد اساسی و پیش روی دولت منتظر آن است که متناسب با استبدادی و ناعادلانه دانستن نظام و شرایط حاکم بر جهان، و نیز به دلیل در اقلیت کمی بودن و یا نبودن دولت منتظر یکی از این راهبردهای اساسی است. یعنی بنابر شرایط موجود رویکردهای تقیه و انتظار در پیش گرفته می‌شود.

در تحقیقات فوق، وجوه متعددی از تقیه و نقشی که در عرصه سیاسی و اجتماعی و همچنین مزایا و معایب آن مطرح شده است. از این رو همانندی پژوهش حاضر با پژوهش‌های بررسی شده در سویه سیاسی و اجتماعی تقیه است. اما تمایز پژوهش حاضر از جایی است که به دنبال بررسی جایگاه تقیه در روابط خارجی دولت اسلامی در آراء آیت‌الله خامنه‌ای است

که تاکنون در هیچ پژوهشی به صورت مستقل مطرح نشده است. بنابراین کاربرست تقیه در عرصه روابط خارجی می تواند نوآوری پژوهش حاضر تلقی شود.

۲-۱- چارچوب نظری؛ تطبیق نظریه با مورد (عمل)

تطبیق نظریه با عمل به عنوان مبنا و سنجشی است که براساس آن می توان به این نکته پی برد که نظریه مطرح شده تا چه اندازه توانایی، تحلیل، آسیب شناسی، ارائه راهکار و همچنین عبور از شرایط بحرانی در زندگی واقعی را به ما نشان دهد. بنابراین تطبیق دادن نظریه با مورد به معنای ارائه یک دانش عملی است. دانش عملی نیز در موقعیتی واقع شده که در فواید ناشی از کاربردش در زندگی روزمره تجلی پیدا می کند. این نوع از دانش، به بهترین شکل از طریق چالش و ارتباط متخصصین با حرفه بدست می آید (رزاقی اصل، ۱۳۹۰: ۳۳). بنابراین نظریه و دیدگاه و یا حتی یک حکم ساده در صورتی می تواند مبنای عمل تلقی شود که در مرحله ارائه راهکار بتواند چالشی را حل و یا دیدگاه مطلوبی پیش روی ما بگذارد. به طور مشخص درباره این تحقیق باید گفت که اگر دیدگاه موجود اعم از احکام دینی، نظریه علمی یک دانشمند و یا یک نظریه پرداز مطرح شده باشد، توانایی آن برای تحلیل شرایط و ارائه تصویری واقعی از شرایط و از مهم مهم تر ارائه راهکاری مناسب برای حل مسأله است. بر همین اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است تا از چارچوب نظری یاد شده برای تطبیق نظریه، دیدگاه و یا حتی احکام دینی (تقیه) با مورد (روابط خارجی دولت اسلامی) بهره برده شود و یا کاربرد این نظریه در عمل و در جهت حل مشکل سنجش شود.

۳- مبانی نظری؛ تقیه و اهمیت آن در دین اسلام

تقیه یکی از شیوه های مبارزاتی امامان شیعه در طول تاریخ بوده است که به دلیل در اقلیت بودن شیعه و حاکم بودن ستمگران تلاش می کردند تا با کنار رفتن از سیاست و حکومت و یا اتخاذ روش پنهان مبارزه، خود را از چشم ستمگران نجات داده و از مواجهه اسلام و پیروانش با این واقع جلوه گیری کنند. دیدگاه های مختلفی درباره تقیه وجود دارد و هم اهل سنت و هم فقه های شیعه نسبت به تأیید تقیه از سوی شرع تأکید دارند. در نزد اهل سنت، این دیدگاه کلی دیده می شود که شارع مقدس در هنگام خطر و اکراه و تهدید به قتل، اجازه و رخصت به اظهار کفر یا عمل غیرشرعی وارد شده و شرع، اجازه تقیه را داده است (عسقلانی، ۱۴۰۵: ج ۳: ۲۰؛ کاسانی، ۱۳۲۸: ۱۷۷؛ قرطبی، ج ۱۰: ۱۸۳). همچنین فقه های شیعه تلاش گسترده ای برای توجیه این روش توسط ائمه و جامعه تشیع عمل آوردند. مستند این روش، آیات و روایات است که می توان به برخی از مهم ترین آنان اشاره نمود. در یکی از آیات شریفه از قرآن کریم درباره تقیه چنین آمده است: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ

ذلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ (افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد؛ مگر این که از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست» (آل عمران / ۲۸). علاوه بر آیه شریفه فوق، سیره عملی و نظری ائمه معصوم (ع) در دوران امامت نشانگر اهمیت تقیه در زندگی شیعیان است. در همین راستا، در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «التَّقِيَةُ مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِ يَصُونُ بِهَا نَفْسَهُ وَ أَخْوَانَهُ عَنِ الْفَاجِرِينَ». «تقیه از بهترین اعمال افراد با ایمان است که به کمک آن هم خود و هم برادران خویش را از چنگال فاجران رهایی می‌بخشد». یعنی نیروها را برای مبارزه و اصولی ذخیره می‌کند (حر عاملی، ۱۴۱۳: ۲۸). بنابراین تقیه به عنوان یکی از احکام ثانویه در اسلام و از جمله در نزد شیعیان به عنوان صفت افراد با ایمان در نظر گرفته شده است. در روایت دیگری از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل شده که فرمودند: «أَيُّ أَقْرَبُ لِلْعَيْنِ مِنَ التَّقِيَةِ إِنَّ التَّقِيَةَ جُنَّةُ الْمُؤْمِنِ». «چه چیز بهتر از تقیه می‌باشد که به مؤمن دید کافی و روشن بینی می‌دهد؟ تقیه سپر انسان با ایمان است» (همان: ۲۶). در این روایت از تقیه به عنوان سپری برای انسان یاد شده است که می‌تواند از گزند آسیب‌ها و تهدیدات دشمنان مصون نگه داشته شود. همچنین در اهمیت بحث تقیه امام صادق علیه‌السلام در این زمینه سخن کوتاه و روشنی نقل شده که فرمودند: «لَتَقِيَةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَ التَّقِيَةُ حُرْزُ الْمُؤْمِنِ». «تقیه سپر فرد با ایمان است، و تقیه وسیله حفظ و نگاهداری او به هنگام مبارزه است» (همان: ۲۴).

به موجب ادله استواری که بر جواز تقیه وجود دارد، فقیهان معمولاً این ادله را بر ادله احکام اولیه شرعی حاکم می‌دانند. با این حال از جمله محدودیت‌هایی که برای اعمال تقیه وجود دارد آن است که التزام به تقیه موجب وهن و بی اعتباری اصل دین در نظر مردم شود. یا اینکه گفته شده است که تقیه باعث ایجاد ریا می‌شود. گاه ملازمه تقیه با ورود آسیب به دین، به دلیل موقعیت و جایگاه شخصی است که ناچار شده است تقیه نماید. این مساله از دیرباز مورد توجه فقیهان بوده است. شهید اول، ضمن تقسیم تقیه به احکام پنج گانه تکلیفی می‌گوید: «در مورد اظهار کلمه کفر و بیزاری جستن از اهل بیت (ع)، اگر کسی تقیه نکند، گناهکار نیست؛ بلکه خودداری از تقیه در این دو صورت مباح و مستحب است؛ به ویژه آنکه تقیه کننده از پیشوایان و افراد مورد توجه دینی باشد» (مکی عاملی، ۱۳۷۲: ۶۹۸). امام خمینی (قدس سره) در شرح روایت پیش گفته، آورده است: «هر گاه فرد مکره در نظر مردم از شخصیت‌های برجسته باشد، به گونه‌ای که ارتکاب برخی اعمال حرام [هر چند از سر تقیه]

توسط وی مایه هتک حرمت مذهب و سستی عقاید دینداران شود، مشکل است بتوان ادله تقیه را حاکم بر ادله احکام اولیه دانست» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۱۴۸).

فقیه دیگری در مقام شمارش عدم جواز تقیه می‌گوید: «مورد چهارم از موارد استثناء آنگاه است که شخص، پیشوا و رهبر دینی مردم باشد، به گونه‌ای که تقیه کردن وی مستلزم سستی دین و رواج باطل شود؛ مانند اینکه پیشوای مسلمانان از سر تقیه، شراب بنوشد یا عالم دینی و بستگان وی به حاکم ستمگر نزدیک شوند» (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۴۱۴). بنابراین ایرادات وارده بر نحوه کاربرد تقیه در زندگی مسلمانان نیز مورد انتقاد واقع شده است، یا اینکه تقیه را شبیه به ریا دانسته که با مخفی کاری حاصل می‌شود. همچنین تقیه به مثابه شیوه‌ای برای ناامید کردن مسلمانان از جهاد و مبارزه و روی آوردن به مبارزه مخفی و بی اثر عنوان شده است.

راهکاری که به ذهن می‌رسد آن است که انتقادات مطرح شده نسبت به تقیه نه از حیث نادیده گرفتن اصل آن، بلکه کاربرست نادرست آن است که حتی می‌تواند منجر به تظاهر، ریا، مخفی کاری و دروغ گویی منجر شود که از سیئات محسوب می‌شوند. اما آنچه می‌تواند راهگشای مناسبی برای استفاده از تقیه باشد، نه مخفی کاری و ترک افعال و احکام دین، بلکه بهره‌مندی از آن در عرصه‌های متغیر نظیر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از جهت کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌مندی و منافع در این حوزه‌ها است. از این منظر، تقیه یکی از راهکارهای مؤثر برای حفظ اساس دین اسلام و توجه به مصالح جامعه و نظام اسلامی تلقی شده که می‌تواند جلوی وقوع برخی اتفاقات ناگوار را نیز بگیرد. از این منظر، هدف اصلی تشریع جواز یا وجوب تقیه، دفع ضرر از جان، مال، ناموس و حتی اموال مسلمانان است، تا آن جا که گفته شده است: «همانا تقیه برای حفظ جان‌ها تشریع شده است»، اما از روایات باب تقیه به خوبی استفاده می‌شود که گونه‌ای از تقیه دقیقاً برای حفظ حرمت و عظمت دین و جلوگیری از ضعف و سستی آن است. در واقع، تقیه گاه ناشی از اکراه است که به آن تقیه اکراهی گویند و گاه تقیه مدارایی است و آن تقیه‌ای است که برای رعایت حسن معاشرت مومنان با اهل مذاهب دیگر تشریع شده است؛ تقیه خوفی که برای حفظ شئون مذهب تشریع شده و تقیه کتمان‌ی که برای لزوم پرهیز از افشای اسرار تشریع شده است. در برخی از انواع تقیه به ویژه تقیه مداراگرایانه، الزاماً نگرانی و خوف خاصی نسبت به جان و مال فرد تقیه کننده وجود ندارد، بلکه راز تشریع تقیه، حفظ مصالح دین و مذهب از جمله جلوگیری از سوء تفاهم درباره دین و پیشگیری از دین‌گریزی است. از همین رو در روایتی از امام صادق (ع) تقیه از اسباب تقویت دین (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۷) و در روایتی دیگر، قوام دین (همان، ج ۱۰: ۴۱۳)، به شمار آمده است.

همچنین باید به این نکته اشاره شود که اگرچه تقیه توسط امامان معصوم از جمله امام سجاد (ع)، امام رضا (ع) و حتی امام کاظم (ع)، تحت شرایط خاصی مورد استفاده قرار گرفت. اما این رویه مربوط به حکومت و از آن مهم‌تر در اصل حکومت استفاده می‌شد، اما در بیان احکام فقهی که ارتباطی به مسأله حکومت نداشت، هرگز تقیه نکرده و حتی علناً مخالفت‌های خود را با نظر عامه ابراز می‌داشتند (هرندی، ۱۳۹۲: ۴۲). نتیجه‌ای که از این بحث حاصل می‌شود این است که تقیه در زمان معصومین (ع)، کاربردی سیاسی داشته است و اگر در جایی از تقیه استفاده شد، به معنای تقیه در احکام دین یا کنار گذاشتن آن احکام نیست، بلکه غالباً روشی برای انتخاب مسیر بهتر و کم‌هزینه‌تر برای امت اسلامی و گذار از شرایط بحرانی است. بدین ترتیب باید گفت، تقیه از اساس رویکردی سیاسی و مختص به همین حوزه یاد شده است و درباره کنار گذاشتن و یا بی‌توجهی به احکام دین در جامعه اسلامی نیست.

وجه مهمی از کاربرست تقیه در عرصه سیاست خارجی نه در دوران معاصر، بلکه ریشه در تحولات سیاسی و دینی جامعه اسلامی در زمان ائمه اطهار (ع) دارد. همان‌طور که نقل شده است که پس از واقعه کربلا و بدست گرفتن امامت شیعیان توسط امام سجاد (ع)، مختار ثقفی پس از آنکه موفق شد در کوفه شیعیانی را به سوی خود جذب کند، از امام علی بن حسین (ع)، استمداد طلبید، اما ایشان روی خوش نشان نداد (طوسی، ۱۳۴۸: ۱۲۶). استدلال امام سجاد (ع) این بوده است که در آن شرایط امکان بدست گرفتن رهبری جامعه اسلامی وجود ندارد و در شرایطی که جامعه اسلامی تحت سلطه اکثریت ستمگر قرار گرفته است، امکان فعالیت مؤثری وجود نخواهد داشت. همین رویه در عرصه تحولات تاریخی شیعه در دوره امام رضا (ع) نیز به شیوه دیگری و با تأکید بر مشی اعتدال دنبال شده است. به لحاظ تاریخی نیز امام رضا (ع)، در مواضع سیاسی، مشی میانه را اتخاذ کردند که در آن دوران حد وسط مواضع نسبتاً افراطی زیدیان و اهل حدیث بود (شیخ صدوق، ۱۳۷۳: ۱۱۲). توضیح اینکه زیدیان طرفدار مبارزه مسلحانه و قیام بودند و از سوی دیگر اهل حدیث نیز با تفاسیر خاص خود هر حکومتی را مشروع تلقی می‌کردند. اما امام رضا (ع) با درپیش گرفتن مشی اعتدال و پرهیز از مشارکت در سیاست به شیوه‌ای که همسویی کامل با عقاید دستگاه حاکمه باشد، نقش خاصی در پرورش رویه تقیه در سیاست شیعی نمودند.

بدین ترتیب اندیشه سیاسی شیعه در عمل نیز شواهد متعددی از کاربرست تقیه در عرصه سیاست را با خود به همراه دارد. بر مبنای همین رویه، فقهای بزرگ شیعه از تقیه به عنوان سپر و محافظی برای حفظ احکام و آئین شیعی و انتقال آن به دوره بعدی با پرهیز از مداخله در سیاست تأکید دارند. جایی که بیان شده است «الْتَقِيَهُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ» (کافی، ج ۲: ۲۲۱). توجه به

تقیه ریشه در آراء نظریه پردازان انقلاب اسلامی نیز دارد. از این منظر، تقیه نه به مثابه کناره-گیری از قدرت و منفعل ماندن، بلکه به مثابه نوعی مبارزه است. یعنی اتخاذ این شیوه در شرایط خاص نوعی تولید قدرت و ایجاد انگیزه برای مبارزه در آینده را نیز به دنبال دارد. این رویکرد حتی ریشه در آراء شریعتی نیز دارد که بیان داشته است: «تقیه مبارزه» به معنای رعایت شرایط خاص مبارزه مخفی برای حفظ ایمان و نه حفظ مؤمن؛ یعنی عملی فکری و مبارزه اجتماعی و سیاسی، اما حرف نزدن، تظاهر نکردن و جلوگیری از لو رفتن در برابر دستگاه خلافت تقیه کردن است (شریعتی، ۱۳۷۰، ج ۷: ۲۶۳). بنابراین دستگاه تصمیم گیرنده در نظام اسلامی اگر بتواند شرایط موجود را به نحوی تحلیل نموده و راهکار سیاست خارجی را بر مبنای دوری‌گزینی از خطرات و مبارزه منفی و مخفی به دور از نمایش و عرض اندام نشان دهد، مسیر تقیه را پیشه خود ساخته است. بنابراین تقیه در شرایطی که بتواند مصالح جامعه اسلامی با به نحو مؤثرتر و در عین حال از دست‌اندازی ستمگران و حاکمان زمان (چه در دوره حضور معصوم و شیوه حکمرانی فردی و قبیله‌ای و چه در دوره نظام سیاسی دولت -ملت و مدرن) مصون نگه دارد.

۴. تقیه و روابط خارجی دولت اسلامی بر مبنای آراء آیت‌الله خامنه‌ای

تقیه در آراء مقام معظم رهبری موضوعی عبادی-سیاسی است که در استفتائات ایشان نیز کاربرد آن بیان شده است. از جمله در این زمینه در مسأله (۳۴۴) بیان نموده است: «گفتن «آمین» بعد از قرائت سوره حمد جایز نیست و موجب بطلان نماز می‌شود؛ ولی اگر به خاطر تقیه باشد، اشکال ندارد. همچنین دست به سینه ایستادن در حال نماز (روی هم گذاشتن دست-ها در جلوی بدن) اگر با این قصد باشد که این عمل جزء نماز است، نماز را باطل می‌کند و احتیاط واجب آن است که بدون این قصد هم آن را انجام ندهد» (استفتائات، رساله روزه و نماز، سایت Leader.ir). بنابراین در مواردی که حتی به انجام امور شرعی و احکام مربوط است، تقیه در شرع اسلام مورد تأیید است و می‌توان از برای رسیدن به هدف متعالی بهره برد. همچنین در همین زمینه و در موضوع «اقتدا به اهل سنت» نیز در پاسخ به پرسش‌هایی می‌توان به مواردی اشاره نمود. از جمله اینکه سؤال ۶۰۱. چنین مطرح شده است: در مکان‌های مشارکت و رفت و آمد با برادران اهل سنت، هنگام شرکت در نمازهای روزانه، در بعضی از موارد مانند آنان عمل می‌کنیم، مثل نماز به صورت تکتف و عدم رعایت وقت و سجده بر فرش، آیا این نمازها احتیاج به اعاده دارند؟ پاسخ: سجده بر فرش و تکتف در نماز جایز نیست، مگر اینکه تقیه آن را اقتضاد کند (استفتائات پرسش ۶۰۱). یا در ارتباط با همین موضوع «اقتدا به اهل سنت» ابهامات مربوط به خواندن نماز با اهل سنت توسط پیروان مذهب

شیعه با توسل به تقیه پاسخ داده شد. از جمله در سؤال ۶۰۵ مربوط به همین موضوع در پاسخ به این سؤال که برادران اهل سنت در ایام حج یا غیر آن، نماز مغرب را قبل از اذان مغرب ما می‌خوانند، آیا برای ما اقتدا به آنان و اکتفا به آن نماز صحیح است؟ ج. معلوم نیست که آنان نماز را قبل از وقت بخوانند، ولی اگر مکلف دخول وقت را احراز نکند، نمی‌تواند داخل شود، مگر آن که رعایت تقیه آن را اقتضا کند (استفتائات، پرسش ۶۰۵ سایت: Leader, ir8). بدین ترتیب باید گفت که تقیه نه عملی برای پنهان شدن، فعالیت نکردن، تعطیل کردن امور و... بلکه تدبیری برای اجرای احکام و شعائر دینی به نحوی است که مسیر رسیدن به حق از حرکت باز نماند. از این منظر به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای: اگر کسی تقی معنای کار نکردن و تعطیل کردن و منصرف شدن از راهپیمایی و وصول هدف بگیرد، این نشان می‌دهد که با مبنای تشیع و با مبنای ائمه (علیه السلام) در باب تقیه اصلاً آشنایی ندارد، اگر کسی تقیه را به این معنی در نظر بگیرد، و از این رو بگوید، «یعنی چه؟» چرا تقیه نمی‌کنید؟ یعنی چرا این راه را نمی‌پیمایید. خوب اگر معنی تقیه این باشد که واویلا است؛ دینی باقی نمی‌ماند به واسطه تقیه (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۶۵). بدین ترتیب بر مبنای آیات و روایات و همچنین تجربه تاریخی تقیه در نزد امام معصوم (ع) و همچنین پیروان مذهب تشیع، دولت اسلامی نیز که دستورات و احکام دینی را سرلوحه برنامه عملی خود قرار می‌دهد، نیازمند توجه به معارف و احکام دینی در شرایط مختلف است. همچنان که تطبیق نظریه با مورد نیز وجه مهمی از کاربری احکام دینی در عمل است. بنابراین کاربری نظریات در عمل نیز گواهی بر کاربردی بودن آنان است (رزاقی، ۱۳۹۰: ۲۳). بر همین اساس و با توجه به جاودانگی احکام اسلامی باید گفت که تقیه نیز همانند سایر احکام و معارف اسلامی معطوف به یک دوره زمانی خاص نیست و در اینجا کاربری آن در عرصه روابط خارجی دولت اسلامی مورد نظر است.

۴-۱. تقیه؛ راهکاری برای افزایش قدرت دولت اسلامی

کاربری تقیه از دو جنبه مورد بحث است؛ یکی جنبه اثرگذاری و کاربردی بودن آن و دوم نیز جنبه مخفی بودن آن، رازداری، جلوگیری از افشای نقشه توسط دشمن و یا پی بردن به آن. در هر صورت اهمیت تقیه در سیاست خارجی جامعه اسلامی نه بر مبنای ترس، بلکه به بر مبنای تلقی تقیه به مثابه ترس (سپر) است (پورقربان، ۱۴۰۰: ۱۱۸). همین رویه نیز مورد نظر رهبر انقلاب اسلامی است و خواستار تسری آن به حوزه سیاست خارجی است که امروزه وجه مهمی از عینیت نظام اسلامی را به جامعه جهانی نشان می‌دهد. مقام معظم رهبری در این باره معتقدند که: «وقتی از تقیه سخن گفته می‌شود، ممکن است بگویند تقیه متعلق به زمانی بود که دولت مطلق بر سرکار بود و ما هم مخفی بودیم و از ترس او چیزی نمی‌گفتیم، نه همان وقت

هم تقیه مسأله ترس نبود» (بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹)، بلکه تقیه نیز راهکاری برای افزایش توان و قدرت دولت اسلامی برای مواجهه با مشکلات و چالش‌هایی است که در هر دوره‌ای پدید می‌آیند.

بدین ترتیب باید گفت که برخلاف آنچه برخی از محققان بیان می‌کنند که اصالت تقیه منجر به تعطیل شدن بسیاری از ضروریات دین اسلام می‌شود و از اسلام جز صورتی باقی نمی‌ماند (حسنی، ۱۳۹۶: ۳)، باید گفت که تقیه نیز هرچند نه در زمینه تقابل میان مفاهیم و اصول فقهی-سیاسی، بلکه در شرایط خاص خود از جمله در زمانی که نیازمند رفتارهای مخفیانه، پیچیده و در عین حال عدم مداخله آشکار هستیم، امری ضروری است. همچنان که تقیه دارای مفهومی سیاسی و اجتماعی است و ارتباطی با ترک احکام دینی و یا تقدم آن بر قیام نخواهیم بود. بنابراین تقیه همواره به عنوان یگانه ابزار، تاکتیک و یا راهکار دولت اسلامی نیست و حتی در مواردی که نیاز به صراحت و بیان مواضع دولت اسلامی باشد، این رویه دنبال می‌شود. از این منظر، تقیه هرچند ابزار مناسبی برای مدیریت سیاست خارجی دولت اسلامی است، اما به معنای آن نیست که همواره در دستور کار قرار گیرد. بدین معنا در مواردی که نیازمند مقابله آشکار، شناسایی کامل و دقیق دشمن و مقابله با آن هستیم، عمل تقیه مورد توجه نیست. رویکرد مقام معظم رهبری نیز بر استفاده مناسب و به جا از تقیه اشاره دارد، جایی که بیان می‌کنند: «امام بزرگوار، در مقابل واقعیتهای چشم خود را نبست، اما کوتاه هم نیامد، راهبرد را فراموش نکرد. ببینید وضعیّت امام را، زندگی امام را، شعارهای امام را؛ امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیه نکرد؛ اینکه رژیم صهیونیستی یک غده‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است. در قبال شرارت‌های قدرت مستکبر و مداخله‌گر آمریکا هیچ تقیه‌ای و ملاحظه‌ای نکرد؛ اینکه آمریکا شیطان بزرگ است، این حرف امام است» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴). در اندیشه مقام معظم رهبری، تاریخچه تقیه در زندگی معصومین (ع) از جمله امام موسی کاظم (ع)، گویای نوعی مبارزه و دوراندیشی برای گذار از شرایط نامساعد بحرانی بوده است. همان طور که از مدت‌ها قبل بیان داشتند: «در این دوران، تنها چیزی که می‌توانست مبارزه و حرکت فکری و سیاسی اهل بیت (علیهم‌السلام) و یاران صدیق آنان را مجال رشد و استمرار بخشد، تلاش خستگی‌ناپذیر و جهاد خطیر آن بزرگواران بود و توسل به شیوه‌ی الهی «تقیه». و بدین ترتیب است که عظمت حیرت‌آور و دهشت‌انگیز جهاد حضرت موسی بن جعفر (علیه‌وعلی‌ابائه‌التحیّه‌والسلام) آشکار می‌گردد» (پیام رهبری به سومین کنگره جهانی امام رضا، ۱۳۶۸/۷/۲۶). بنابراین از جهت تأیید رفتار تقیه در عرصه حفظ احکام و

دستورات دینی و حفظ اساس نظام اسلامی برای عبور از یک مرحله خاص باید گفت که این شیوه در درون خود به معنای اتخاذ نوعی مبارزه و آماده شدن برای مراحل بعدی نیز می‌باشد. کاربرد دیگر تقیه برای دولت اسلامی آن است که با توجه به لزوم تدبیر و دوراندیشی در عرصه سیاست خارجی، دور ماندن از کشمکش‌های سیاسی و همچنین اتخاذ تدابیر مؤثر برای آینده روابط دولت اسلامی با دول خارجی است. بنابراین تقیه نوعی مبارزه است؛ اما مبارزه پنهان و دور از نقشه دشمن و یا طرف مقابل که ممکن است برای جلوگیری از ضرر و زیان با شیوه‌های مخفیانه دنبال شود. همان طور که رهبری انقلاب در این باره فرموده است: «پس، تقیه در زمینه درگیری است؛ چون و حرز و سنگر و سپر است. پس تقیه در زمینه‌ی درگیری است؛ چون ترس است، حرز است، سنگر است، سپر است. همان وقت هم این جور بود؛ تقیه که می‌کردیم، معنای آن این بود که شمشیر را بلند می‌کردیم و ضربه را بر هیکل و پیکر نحس او وارد می‌کردیم؛ اما جوری که او نه شمشیر را ببیند، نه دستی که شمشیر را گرفته ببیند، نه بلند کردن را ببیند، نه فرود آمدن را بفهمد، فقط یک وقت درد آن را احساس کند؛ تقیه این بود؛ آنهایی که آن روز تقیه می‌کردند، همین جور تقیه می‌کردند؛ مخفیانه، دور از چشم دشمن، داخل خانه‌ی پنهان، با هزار ملاحظه و مراقبت می‌نشستند، یک اعلامیه تنظیم می‌کردند که وقتی پخش می‌شد، به کلی آبروی نظام را می‌برد؛ ضربه و شمشیری بود که بلند میشد، بر فرق او و به کمر او می‌خورد. تقیه می‌کردیم؛ یعنی نمی‌گذاشتیم که او بفهمد که چه کار دارد انجام می‌گیرد. تقیه کننده پشت سپر مخفی می‌شد. معنای تقیه این است؛ الان هم همین است (بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

کاربست تقیه در عرصه سیاست خارجی، بخشی از تاکتیک‌های متنوعی است که دولت اسلامی از آنان بهره می‌برد. به این دلیل که رتق و فتق امور در داخل هر کشوری بر عهده حکومت است، اما اگر این حکومت، یک حکومت اسلامی و مدعی باشد حساسیت کار بالاتر می‌رود (شیخ موحد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۲). بنابراین در شرایطی که نیازمند مصلحت در سیاست خارجی باشد، نیازمند مصلحت‌گرایی، در مواردی که نیازمند تاکتیک دفاعی و یا تهاجمی باشیم متناسب با آن عمل می‌شود و در صورتی که نیازمند تقیه و یا دوری از تنش‌ها به دلیل قرار گرفتن در شرایط نابرابر و اقلیت گونه باشیم، استفاده از تقیه یک تاکتیک فقهی و برآمده از احکام و قواعد دینی است. به بیان رهبری انقلاب که بیان کردند: «در این خصوص، وزارت خارجه و کسانی که با سیاست خارجی سروکار دارند و مجلس و بقیه اجزای دولت و بعضی از ائمه جمعه در درجه اول اهمیت دارند. پس موضوع تقیه بسیار مهم است که باید در کار سیاست خارجی به آن توجه کنیم (بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ / ۱۱ / ۹). بنابراین مزیتی که تقیه برای روابط خارجی دولت اسلامی دارد، این است که با فراهم کردن یک فرصت برای لزوم بازاندیشی در تدابیر پیشین و فرصت ندادن به طرف مقابل، نوعی دوراندیشی و مصونیت از تحرکات دشمن را نیز پدید می-آورد. بدین ترتیب نظیر همه کشورهای جهان، سیاست خارجی، اصول دیپلماتیک، چانه زنی و محاسبات در مواقع جنگ و صلح نیازمند سری بودن جلسات، اطلاعات، نقشه‌ها و اقدامات است. از این رو تقیه در عرصه روابط خارجی می‌تواند برآمده از اطلاعات محرمانه و مبتنی بر رازداری نیز باشد. همچنان که دستگاه‌های اطلاعاتی نیز می‌توانند در بسیاری از موارد و جهت هوشیار ساختن افراد و دستگاه‌های سیاست خارجی، اطلاعاتی را به آنان منتقل و یا نسبت به برخی دسیسه‌های پنهان آگاه سازند. زیرا سازمان‌های اطلاعاتی نظام نیز نظیر سایر شاخه‌ها و فروع آن باید در خدمت تحقق اهداف نظام باشند (صرامی، ۱۳۹۵: ۷۳). به نظر می‌رسد فرصت حاصل شده از در پیش گرفتن رویه تقیه می‌تواند اطلاعات لازم، آسیب شناسی، تجدیدنظر در برخی روش‌ها، و از همه مهم‌تر در پیش گرفتن راهکاری مؤثرتر برای خنثی کردن نقشه‌های طرف مقابل را نیز در پی داشته باشد.

بنابراین برخی از طرفداران کاریست تقیه در عرصه سیاست خارجی بر این باور هستند که این رویه نه تنها بر مبنای اندیشه شیعی پذیرفته شده است، بلکه با اصول منطقی و عقلانی نیز سازگار است. بدین معنا که هر چند تقیه به عنوان یک رویه انحصاری با تفکر و عمل شیعه قرین شده است، نه تنها در تاریخ اسلام، منحصر در شیعه نیست، بلکه باید آن را نوعی رفتار طبیعی و عادی و احتیاط‌آمیز انسان‌ها تلقی نمود که در عرف بیشتر اقوام و ملل دارای سابقه است و متضمن واکنش فرد یا قوم مقهور یا در اقلیت است که توانایی مقابله و مبارزه مستقیم را ندارند یا مبارزه مستقیم به مصلحت آنان نیست (درخشه، ۱۳۸۸: ۱۹۹). در این صورت، در نظر گرفتن شرایط، توانایی، قدرت چانه‌زنی و سایر محاسبات مربوط به نقش‌آفرینی در عرصه سیاست خارجی به عنوان عناصر اثرگذار در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در این عرصه خود را نشان می‌دهد. این رویه نقش مؤثری در حفظ مکتب اهل بیت (ع) داشته و باعث حفظ و نجات شیعیان از گزند دشمنان شده است. تقیه عملی ساده نیست، بلکه به مثابه چتری فراگیری و گسترده که دربرگیرنده اجزاء و عناصر مختلف عمل کننده است و با استفاده از ابزارهای متعدد توانسته است از موجودیت شیعیان دفاع به عمل آورد (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵). بنابراین در این شرایط، مقصود از تقیه، خود نگهداری از ضرر دیگران با موافقت در گفتار یا کردار مخالفان حق می‌باشد (شیخ انصاری، ۱۳۷۵: ۳۲۰). بدین ترتیب باید نتیجه گرفت در شرایطی که جامعه اسلامی در شرایطی است که مقابله مستقیم با رفتارهای دشمنان هزینه‌های

زیادی در پی دارد، اتکاء بر تقیه به مثابه مخفی ماندن از گزند آنان مطلوب‌ترین راهکار برای عبور از شرایط بحرانی است. بنابراین تکیه بر تقیه می‌تواند به معنای در پیش گرفتن رویه واقع-گرایانه، عقلانی و متکی بر خرید فرصت برای مصون ماندن از تهدیداتی است که می‌تواند امنیت و کیان جامعه اسلامی را به خطر بیندازد.

۴-۲. تقیه به مثابه تدبیر در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی

جنبه سیاسی تقیه گویای نهفته بودن تدبیر در این اصل دینی است. همان طور که مقام معظم رهبری در دورانی که ریاست جمهوری را بر عهده داشتند، دوران امامت امام رضا علیه-السلام را مبتنی بر تقیه و دوراندیشی دانسته و از همان ابتدا خواستار عمل به سیره ائمه در زمینه-های مختلف اداره کشور شدند. به بیان ایشان: «ائمه در میان طوفان سخت این حوادث هوشمندانه و شجاعانه تشیع را همچون جریانی کوچک اما عمیق و تند و پایدار از لابلای گذرگاههای دشوار و خطرناک گذراندند و خلفای اموی و عباسی در هیچ زمان نتوانستند با نابود کردن امام، جریان امامت را نابود کنند. و این خنجر برنده همواره در پهلوی دستگاه خلافت، فرو رفته ماند و به صورت تهدیدی همیشگی آسایش را از آنان سلب کرد. هنگامی که موسی بن جعفر پس از سالها حبس در زندان هارون مسموم و شهید شد، در قلمرو وسیع سلطنت عباسی اختناق کامل حکمفرما بود. در آن فضای گرفته که به گفته‌ی یکی از یاران علی بن موسی (علیه السلام): «از شمشیر هارون خون می‌چکید»، بزرگترین هنر امام معصوم و بزرگوار ما آن بود که توانست درخت تشیع را از گزند طوفان حادثه سلامت بدارد و از پراکندگی و دلسردی یاران پدر بزرگوار مانع شود. با شیوه‌ی تقیه‌آمیز شگفت‌آوری جان خود را که محور و روح جمعیت شیعیان بود حفظ کرد و در دوران قدرت مقتدرین خلفای بنی عباس و در دوران استقرار و ثبات کامل آن رژیم، مبارزات عمیق امامت را ادامه داد» (پیام به کنگره علمی بین‌المللی امام رضا علیه السلام، ۱۳۶۳/۵/۱۸). بنابراین با تحلیل آراء آیت الله خامنه‌ای این نکته روشن می‌شود که تقیه به معنای کار نکردن نیست، بلکه به معنای کار کردن، اما کار موفقیت کردن است. تقیه به معنای راه رفتن و به سمت مقصد راه پیمودن می‌باشد، اما در صورتی که کوه وجود داشته باشد، از داخل کانال رفتن است؛ از زیر رفتن می‌باشد؛ از راه انحرافی رفتن است؛ پس رفتن، پیمودن و عمل در آن در آن می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ۳۵۸). این رویکرد برای عرصه دیپلماسی دولت اسلامی به معنای اتخاذ راهکارهای گوناگون جهت دستیابی به اهداف نظام اسلامی است. بدیهی است که آنچه می‌تواند گویای این رویکردهای مختلف باشد، نوعی تدبیر و دوراندیشی و در عین حال پنهان نمودن ابزارهای چانه زنی، امتیازگیری، بازدارندگی، اقناع طرف مقابل و حتی شنیدن خواسته‌های طرف مقابل است. در

صورتی که اگر در ابتدای دیپلماسی یا تعامل با دولت خارجی (خصوصاً اگر پای دولت دشمن در میان باشد)، هرگز نباید ابزارها و روش‌های دولت اسلامی را برای طرفین مذاکرات رو کرد و دشمن را نسبت به ابزارهای نظام اسلامی هوشیار و آگاه نمود.

نکته مهم‌تر در بحث کاربست تقیه در عرصه روابط خارجی دولت اسلامی با سایر کشورها آن است که می‌تواند انعطاف لازم برای عبور از یک مرحله دشوار را نیز پدید آورد. به تعبیر رهبری انقلاب که بیان می‌کنند: «انعطاف منافات با اصول ندارد. حفظ اصول با امکان انعطاف با هم می‌سازند، میتوان یک جاهایی انعطاف به خرج داد. بنده یک وقتی چند سال قبل از این گفتم: «نرمش قهرمانانه»؛ بد فهمیده شد، هم بعضی‌ها در خارج بد فهمیدند، یک محاسبه‌ی دیگر کردند، در داخل هم بعضی از خودهایمان بد فهمیدند معنای این را. انعطاف یک جاهایی لازم است، بایستی انجام بگیرد. همان معنایی که ما در تقیه معنا کردیم - در بحث امامت، بنده مفصل راجع به تقیه صحبت کردم - تقیه یعنی وقتی شما در یک جایی دارید حرکت میکنید، به یک صخره‌ای میرسید که از آن عبور نمی‌توانید، یک راهی پیدا کنید از کنار صخره و عبور کنید. انعطاف یعنی این. معنایش این نیست که ما از ادامه‌ی راه پرهیز کردیم و عقب‌نشینی کردیم، نه. به جنگ صخره نرفتیم، انعطاف پیدا کردیم، توانستیم راه دیگری را پیدا کنیم» (دیدار رهبری با مسؤولان وزارت خارجه، ۱۴۰۲/۲/۳۰). این انعطاف پذیری در روابط خارجی باعث پرهیز از برخی تنش‌های هزینه‌زا برای نظام اسلامی می‌شود. همچنان که می‌تواند تغییر مسیر در برخی سیاست‌های نادرست را نیز فراهم کند. چنانچه در عرصه اجرای سیاست‌هایی که توسط وزارت خارجه، شورای عالی امنیت ملی و سایر دستگاه‌های دیپلماتیک کشور مربوط است، برخی از راهکارها از جمله نرمش قهرمانانه نیز دچار بدفهمی می‌شوند. بنابراین، تقیه، فرصت آفرینی است؛ فرصتی برای بازاندیشی، صبر و حوصله، مضاعف ساختن توان داخلی برای خنثی کردن نقشه طرف مقابل و از همه مهم‌تر آماده و تجهیز شدن در شرایط مخفیانه و به دور از چشم دشمنان. همچنین تقیه فرصتی نوین برای تغییر مسیر در روابط خارجی است که کاهش و افزایش پذیر بوده و نسبی و سیال است؛ بدین معنا که افکار یا رفتاری که باید تحت پوشش تقیه قرار گیرد، تابع شرایط گوناگونی نظیر موقعیت فرد و نیز جامعه و زمانه خاص وی است. به عنوان مثال، احتمال دارد که بیان اعتقادی خاص و یا اعلان و آشکارسازی عملی خاص در یک جامعه خطرآفرین و در جامعه‌ای دیگر خنثی یا کم‌خطر باشد. یا اینکه در جامعه و شرایطی مشترک ممکن است دو کس به دلیل دو موقعیت و وضعیت متفاوتی که دارند، به گستره متفاوتی از تقیه نیازمند هستند (دیرباز و صادقی، ۱۳۹۰: ۸۷). بنابراین در شرایطی که ممکن است آشکارسازی و اعلام مواضع و

رفتارهای آینده در شرایط فعلی به ضرر دولت اسلامی و آحاد مردم باشد، دور ماندن از تحولات و آماده‌سازی برای رویارویی دقیق و منسجم‌تر، برآمده از تقیه است که خود می‌تواند فواید بیشتری در پی داشته باشد. بدین ترتیب فرصت ناشی از تقیه می‌تواند دگرگونی مهمی در روابط خارجی دولت اسلامی با سایر کشورها ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

تقیه در دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، تاکتیکی برای در پیش گرفتن رویه احتیاط‌آمیز، اما موقتی برای حراست، حفاظت و مصون نگه داشتن دولت و نظام اسلامی از گزند تهدیدات دشمن و عبور از بحران‌های مقطعی است. بنابراین خاصیت موقتی بودن تقیه و همچنین سیال و متغیر بودن منافع دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل گواهی برای استفاده از تقیه در این شرایط پیچیده است. دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه تقیه علاوه بر اینکه خاصیت پویایی احکام دینی در شرایط زمانی را نشان می‌دهد، راهکار مناسبی برای پنهان ماندن نقشه‌های نظام اسلامی از یک طرف و بهانه ندادن به دشمنان برای خنثی کردن توان نظامی، دیپلماتیک و چانه‌زنی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین سویه‌های سلبی و ایجابی تقیه نشانگر نقش مهم آن در عرصه روابط خارجی دولت اسلامی است که به خوبی در آراء آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است. با بررسی انجام شده در پژوهش حاضر باید گفت که نظریه تقیه در عرصه روابط خارجی دولت اسلامی اختصاصاً برای شرایط بحران است. بدین معنا در شرایط خاصی که جامعه اسلامی در فشارها و دشواری‌های ناشی از تهدیدات نظامی، تحریم اقتصادی و یا تهدید به اعمال فشار قرار دارد، اتخاذ سازوکاری مناسب برای عبور از این شرایط هم از حیث مصون ماندن از تهدیدات و هم ایجاد آرامش، صبر و فرصت کافی برای اتخاذ راهکار مناسب‌تر حائز اهمیت است. بنابراین در شرایطی که حتی نشان دادن اقتدار و توان نظامی، چانه‌زنی، توان سیاسی و اثرگذاری دولت اسلامی می‌تواند منجر به هوشیاری طرف مقابل شود، تقیه اهمیت خود را نشان می‌دهد. بنابراین هرگز نباید گفت که تقیه در شرایطی باید پیشه دولت اسلامی باشد که تغییر ضعف و سستی نظام اسلامی به ذهن و رفتار طرف مقابل خطور کند. بنابراین در شرایط اقتدار دولت اسلامی نیز نیازمند مخفی کردن توان، نقشه، راهبردها و تاکتیک‌ها نیز هستیم تا از منافع دولت اسلامی به نحو مطلوب دفاع به عمل آورده شود. همچنان که در پیش گرفتن تقیه می‌تواند به منزله راهکاری برای مصون ماندن از تحرکات دشمن جهت آسیب زدن به دولت اسلامی باشد. به این دلیل که رفتارهای تهاجمی نظام استکباری در شرایط ضعف بیش از پیش محتمل است. در این شرایط در پیش گرفتن سیاست تقیه می‌تواند توجیهات و بهانه‌ها را از دشمن سلب و فرصتی برای آرامش، صبر و

آزمون و خطای راه حل‌ها فراهم آورد. بنابراین تقیه اگر وارد حوزه روابط دولت اسلامی با سایر دولت‌ها و از جمله دیپلماسی شود، به عنوان نظریه‌ای «مشکل‌گشا» تلقی خواهد شد. بدین معنا که با همان تلقی رهبری انقلاب از «تُرس=سپر» بودن، تقیه می‌تواند محافظی برای جامعه اسلامی در شرایط دشوار باشد. بنابراین طی کردن پیچ‌های تاریخی و بحرانی در عرصه دیپلماسی و به هنگامه فشار دشمنان، تقیه می‌تواند توانایی، نقشه‌ها، راهبردها و تاکتیک‌های ما را برای دشمن مخفی نموده و در عین حال توجیهات و بهانه‌های دشمنان را برای ضربه زدن به نظام اسلامی خنثی نماید. همچنان که در وجه ایجابی نیز تقیه می‌تواند پناهگاهی برای تصمیم‌گیری مبتنی بر صبر و حوصله و گزینش بهترین راه‌حل توسط دولت اسلامی نیز تلقی شود.

منابع و مأخذ:

- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۵)، **کتاب المکاسب**، چاپ دوم، تبریز: مطبعه اطلاعات.
- پورقریان، محمد (۱۴۰۰)، **کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل از منظر مقام معظم رهبری**، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال سیزدهم، شماره ۵۴، صص ۱۲۷-۱۰۷.
- ترتبی‌نژاد، حسن (۱۳۹۵)، **تقیه در اندیشه سیاسی شیعه**، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حسینی، ابوالحسن (۱۳۹۶)، **نقد مبانی کلامی رویکرد اصالت تقیه در فقه سیاسی و مقایسه آن با دیدگاه اصالت قیام**، **فصلنامه کلام تطبیقی**، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۲۰-۱۰۱.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، **هم‌زمان حسین علیه السلام**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- درخشه، جلال (۱۳۸۸)، **بازتفسیر مفاهیم دینی و تأثیر آن بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران**، **فصلنامه دانش سیاسی**، دوره پنجم، شماره ۲.
- درخشه، جلال، حسینی فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۴)، **مؤلفه‌های سیاست‌ورزی در سیره امام رضا (ع)**، **فصلنامه فرهنگ رضوی**، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۳۵-۷.
- درباز، عسگر، صادقی، مسعود (۱۳۹۰)، **سیاست خارجی دولت دینی با تأکید بر مفاهیم تقیه و انتظار**، **فصلنامه مشرق موعود**، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۹۷-۸۱.
- رزاقی اصل، سینا (۱۳۹۰)، **ارتباط میان نظریه و عمل در آموزش رشته‌های حرفه‌منا، نمونه موردی حرفه‌دانش طراحی شهری**، **مجله آرمانشهر**، شماره ۶، صص ۲۷-۲۱.
- روحانی، سیدصادق (۱۴۱۲)، **فقه الصادق**، ج ۱۱، قم: مدرسه الامام الصادق (ع).
- شریعتی؛ علی (۱۳۷۰)، **مجموعه آثار**، تهران: انتشارات بنیاد شریعتی.
- شیخ محمد، محمدعلی، حیدری، محمدعلی، توکلی، احمدرضا (۱۴۰۰)، **تطبیق قاعده فقهی تنفیذ از دین در عرصه سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی**، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال پانزدهم، شماره ۵۷، صص ۲۰۴-۱۸۵.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۳)، **عیون اخبار الرضا**، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران: انتشارات الاسلامیه.
- صرامی، سیف الله (۱۳۹۵)، **نقش تقیه در پیشبرد اهداف اطلاعاتی نظام اسلامی**، **فصلنامه سیاست متعالیه**، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۷۶-۶۱.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۴۸)، **اختیار المعرفه الرجال**، ترجمه و تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- عسقلانی، شهاب‌الدین احمد (۱۴۰۵)، **فتح الباری بشرح صحیح البخاری**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- قرطبی، ابو عبدالله بن احمد انصاری (۱۳۷۶)، **الجامع الاحکام القرآن**، قاهره: انتشارات دارالفکر العربی.
- کاسانی، (ملک العلماء)، علاء الدین ابوبکر بن مسعود حنفی (۱۳۲۸)، **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع**، قاهره: نشر جمالی.
- مکی عاملی، محمدبن جمال الدین (۱۳۷۲)، **القواعد والفوائد**، ترجمه سیدمهدی صالحی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، **صحیفه نور**، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- هرندی، محمدجواد (۱۳۹۲)، **ملاک و چگونگی به کارگیری تقیه در دوره حضور معصومان علیه‌السلام**، **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۴۴-۱۱.
- سایت
پیام رهبری به سومین کنگره جهانی امام رضا،
۱۳۶۸/۷/۲۶؛ بازیابی در سایت به آدرس:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2205>
- بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۹؛ بازیابی در سایت به آدرس:
<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1890&npt>
- بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه؛ ۱۴۰۲/۲/۳۰؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس:
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=52860>
- بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۲/۶/۱۴؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس زیر:
<https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=24232>
- رساله استفتانات؛ قابل بازیابی در سایت به آدرس زیر:
<https://www.leader.ir/fa/book/226?sn=30804>
- پیام به کنگره علمی بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، قابل بازیابی در سایت به آدرس زیر:
<https://farsi.khamenei.ir/message-۱۳۶۳/۵/۱۸-content?id=8311>